هو ند خونی یا نگفته است که دعا کردم پس اجابت کرده نشدم و لفظ حدیث
اینست لا یزال یستجاب للعبد ما لم یدع باثم او قطیعة رحم پس تفسیر ظلم
اینجا باثم است که شامل ظلم متعدی و قاصر است و نقل بالمعنی است و ظاهر آنست
که مصنف رح میگفت او لم یقل تا معطوف بر لم یدع می شود و جواب بعضی شارحان
که یقول معطوف است بر یدع و رفع یقول بر لغت بعض عرب است که کلمه لم در آن
جازم نیست و جمع میان لغتین است یا بر حمل کلمه لم بر کلمه ما است کما وقع عکسه
دافع ظهور لم یقل نیست نیز و همچو در مسند امام احمد مرویست ابو هریره رض و از
ابو سعید خدری رض که پیغمبر خدا فرموده است تحقیق مر خدا راست عز و جل بندهای
آزاد از آتش دوزخ در هر روزی و شبی که مر هر بنده را است دعای که مستجاب است
هرگاه فارغ شد مصنف رحمه الله از باب دوم شروع کرد در باب سیوم که بیان
اسم اعظم خدا تعالی است و گفت   اسم الله تعالى الاعظم الذي اذا
دعي به اجاب واذا سئل به اعطى لا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الظالمين   واسم الله تعالى الاعظم الذي اذا سئل
به اعطى واذا دعي به اجاب اللهم اني اسألك باني   اعطى
اشهد انك انت الله لا اله الا انت الاحد الصمد
الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
اللهم اني اسألك بانك انت الله احد الخ   واسم الله
الاعظم الذي اذا دعي به اجاب واذا سئل به
اعطى اللهم اني اسألك بان لك الحمد لا اله الا انت
وحدك لا شريك لك الحنان المنان بديع السموات والارض   الحنان

یا ذا الجلال

يا ذا الجلال والاكرام   يا حي يا قيوم
واسم الله الاعظم في هاتين الآيتين والهكم اله
واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم وفاتحة آل
عمران الم الله لا اله الا هو الحي القيوم
واسم الله الاعظم في ثلث سور البقرة وآل عمران
وطه   قال القاسم فالتمستها فوجدتها الحي القيوم قلت وعندي
انه الله لا اله الا هو الحي القيوم جمعا من الحديثين ولما رويناه في
كتاب الدعاء للواحدي عن يونس بن عبد الاعلى رحمه الله تعالى اعلم القاسم
هذا هو ابن عبد الرحمن الشامي التابعي صاحب ابي امامة و در بعضی نسخ
بزیادت صدوق است یعنی ان القاسم کثیر الصدق است   سبحان
بمعنی تنزیه است از همه نقایص و منصوب است بر مصدریه احد و واحد یکی از
ازهری گفته است که غیر خدا را وصف کرده نشود باحد فلا یقال رجل احد کما
یقال رجل واحد صمد بفتحتین آنکه قصد سوی او کنند در مهمات و بی نیاز کفوا بضمتین
پس ازان همزه است یا واو و بسکون دوم پس ازان همزه در قرارت متواتره
است ای ندا فضلا عن ضده و در صراح بمعنی مانند و همتا است و تقدیم خبر
اسم برای رعایت فواصل است یا برای اهتمام نفی مماثلت حنان به
تخفیف بخشودن از باب ضرب و منه قوله تعالى وحنانا من لدنا حنان
بتشدید نون اول برای مبالغه بخشاینده است بکرمت دادن و منان
بمعنی منعم است بدانکه در نسخ مصححه فوق وحدك لا شريك لك رمز ابن ماجه
وفوق الحنان والمنان رمز ابن حبان مرقوم است ابتداع نو پیدا آوردن

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)